

بررسی نقش معلم در پرورش تفکر خلاق شاگردان در کلاس

فهیمة حاج انوری^۱ فاطمه تارپوردی^۲ معصومه حاجی انوری^۳ لیلا حاجی انوری^۴

۱. کارشناسی ارشد مشاوره تحصیلی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

۲. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

۳. کارشناسی مدیریت برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه پیام نور واحد ابهر

۴. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور واحد ابهر

fahime2050@gmail.com

چکیده

انسانها دارای قوه خلاقیت هستند برخی در یک زمینه دارای خلاقیت بیشتر و برخی در زمینه ای دیگر. بهترین محیط برای رشد و پرورش خلاقیت های دانش آموزان، کلاس درس است و بهترین فردی که می تواند در این فرایند رشد نقش اساسی و موثر داشته باشد معلم است زیرا با شناخت ویژگیهای فردی دانش آموزان می تواند به تناسب توانمندی برای بروز ابتکارات و خلاقیت ها زمینه سازی و برنامه ریزی کند هدف از انجام این تحقیق، بررسی نقش معلم در پرورش تفکر خلاق شاگردان در کلاس است روش مطالعه در این تحقیق به صورت مطالعه کتابخانه ای بوده است. برای این منظور از مطالب موجود در مقاله، تحقیق های چاپ شده و همچنین مطالب دیجیتالی استفاده شده است. معلم خلاق از ارزشیابی پیشرفت تحصیلی مفهوم درستی برداشت می کند و ارزشیابی را وسیله ای برای افزایش مهارتهای یادگیری تلقی می کند و از آن در جهت بهبود کیفی برنامه استفاده می کند و نقش ارزشیابی را شناسایی استعدادها و توانایی ها می داند. تحقیقات نشان داده است که تمام انسان ها دارای قوه خلاقیت و نوآوری هستند؛ برخی در یک زمینه دارای خلاقیت و نوآوری بیش تر و برخی در زمینه ای دیگر. خلاقیت و نوآوری می تواند به وسیله معلمان در دانش آموزان شکوفا گشته و یا از بین برود. بنابراین، باید محیط و فضای مساعدی برای رشد و پرورش قوه خلاقیت و نوآوری دانش آموزان فراهم آورد.

کلید واژه: معلم، خلاقیت، نوآوری، دانش آموزان

مقدمه

خلاقیت یک توانایی همگانی است که هم ناشی از عوامل مختلف فردی و شخصیتی است و هم عوامل اجتماعی آن مطرح است. هر چند توانایی تفکر خلاق به طور بالقوه و به نحو فطری در انسان به ودیعه نهاده شده است، اما ظهور آن مستلزم پرورش آن است. معلم خلاق به روش های یاددهی و راهبردهای یادگیری کلیشه ای واز قبل تهیه شده اکتفا نمی کند بلکه به تناسب موضوع آزادی به دانش آموزان می دهد و از هر نوع فناوری مناسب آموزشی استفاده می کند برای معلم زمینه ساز خلاقیت، محل آموزش ثابت و مشخص و استاندارد نیست می تواند به هنگام ضرورت از محل یادگیری غیر از کلاس درس استفاده کند

روش تدریس یکی از مهم ترین نیازهای جوامع بشری و از محورهای توسعه می باشد. در مدارس جایگاه ویژه ای برای این امر در نظر گرفته شده است تا بدین وسیله تفکر خلاق پرورش یابد. روش های تدریس مبتنی بر ذهن، موجب پرورش مهارت های رفتاری و عملکردی، پرورش و رشد قدرت تفکر، پرورش مهارت های هنری، رشد مهارت های ابداعی و خلاقانه در دانش آموزان ابتدایی می شود. نتایج نشان داد که روش های نوین تدریس با رویکرد فعال بر پرورش تفکر در دانش آموزان موثر است. تدریس رویکرد فعال بر پرورش تفکر خلاق پایه ابتدایی و دانش آموزان به شیوه آموزش سنتی اثر مثبت دارد. استفاده از شیوه هایی که متکی بر مشارکت فعال دانش آموزان در درس و بحث باشد و به دانش آموزان فرصت کافی جهت ارائه یافته های خود، راه حل های مختلف برای حل مسائل و شیوه های ابتکاری داده شود، در کلیه فعالیت های فوق برنامه باید برای دانش آموزان میدان عمل جهت بروز و پرورش ابتکارات و خلاقیت داده شود و از جاذبه این گونه فعالیت ها جهت پرورش روح تفکر و تحقیق در دانش آموزان استفاده شود.

کارل راجرز در این زمینه می نویسد: «روشن است که خلاقیت و نوآوری را نمی توان با فشار ایجاد کرد، بلکه باید به آن اجازه داد تا ظهور کند. همان گونه که زارع نمی تواند جوانه را از دانه بیرون بیاورد، اما می تواند شرایط مناسبی برای رشد دانه فراهم آورد. در مورد خلاقیت و نوآوری هم همین شرایط صادق است. باید زمینه ای مساعد برای رشد و توسعه خلاقیت و نوآوری در فرزندان و دانش آموزان فراهم آورد. از جمله تجربیات من در روان شناسی این است که می توان با فراهم کردن امنیت روانی و آزادی، احتمال ظهور خلاقیت و نوآوری سازنده را افزایش داد.

روشن است که هر کسی ممکن است در زمینه ای خاص خلاقیت و نوآوری داشته باشد. از هر کسی در هر زمینه نمی توان انتظار خلاقیت و ابتکار داشت. باید این بسترها و علایق و زمینه ها را شناسایی کرده و زمینه رشد آن ها را فراهم نمود. نوآوری در آموزش شامل فرآیندهای آموزش از طریق خلاقیت و نوآوری است. منظور از فرآیندهای آموزش خلاقیت هرگونه آموزشی است که سعی در ایجاد تفکر و عملکرد خلاقانه دانش آموزان دارد. در حالی که آموزش نوآورانه به اجرای شیوه های نوآوری در آموزش اشاره دارد تا یادگیری را برای دانش آموزان جالب تر و مؤثرتر کند. نوآوری در آموزش و خلاقیت در یادگیری، نقش های جدید و مهمی را برای یادگیرنده و معلم پیش بینی می کند که عمدتاً به عنوان مربی، مدرس و تسهیل گر در فرآیند یادگیری عمل می نماید.

شیوه های گوناگون تدریس

معلم باید در جریان تدریس و فرایند تعلیم و تربیت، شیوه های مختلفی را به کار برد؛ از جمله، روش حل مسأله، روش تهیه طرح یا پروژه، روش بحث آزاد و پروژه های گروهی و جمعی متناسب با موضوع و موقعیت درسی.

فعال شدن شاگردان در کلاس

کلاس های درس را می توان به جای «معلم محوری» به صورت «فراگیر محوری» اداره کرد؛ در کلاس فراگیر محوری، دانش آموز در امر یادگیری دخالت مستقیم و اساسی دارد. معلم راه های یادگیری را به شاگردان دیکته نمی کند، بلکه شیوه های مختلف یادگیری را پیش پای آنان قرار می دهد تا با استفاده از نیروی خلاقیت و ابتکار خود مسیر و روش یادگیری را جستجو نمایند. به جای این که معلم برای دانش آموزان اطلاعات فراهم کند، بایستی آنان را در موقعیتی قرار دهد تا خود به جستجوی اطلاعات بپردازند. معلم در این شیوه تدریس، راهنماست و نقش یاری دهنده و هدایتگر را ایفا می کند.

استفاده از روش بارش مغزی (brain Storming)

در روش بارش مغزی، پس از این که مسأله ای در کلاس ارائه شد، معلم از دانش آموزان می خواهد تا هر تعداد راه حل را که می توانند برای مسأله بنویسند. معلم پیش از ارائه همه راه حل ها به وسیله دانش آموزان، نباید هیچ گونه اظهارنظری در این خصوص بنماید. این روش، شبیه روش تداعی آزاد است که در روان کاوی مورد استفاده قرار می گیرد.

ایجاد زمینه تفکر

معلم باید زمینه ای فراهم کند که همه دانش آموزان تفکر نمایند و بدون نگرانی تفکرات خویش را اظهار نمایند. هرچند شاگردان در فرایند تفکر ممکن است اشتباه کنند، اما مهم، تفکر و پرورش فکر است. در این گونه کلاس ها پاسخ صحیح و غلط شاگرد برای معلم ارزش یکسان خواهد داشت؛ زیرا به هر حال دانش آموز به تفکر واداشته شده است. به عبارت دیگر، باید به دانش آموزان اجازه داده شود تا اشتباهاتی را مرتکب شوند؛ زیرا ممکن است اشتباهات به بینش های مثمرتری منتهی شوند. معلم باید شرایط آموزشی را به گونه ای ترتیب دهد که شاگردان مطمئن شوند که اختلاف نظر آنان با معلم مشکلاتی برای آنان نخواهند داشت. به هیچ وجه نباید اندیشه های شاگردان را طرد نمود؛ چون در این صورت آنان به تفکر نخواهند پرداخت.

ارتباط با اذهان خلاق

گرچه معلم تا حد زیادی می تواند ذهن دانش آموز را تحریک کند، اما این امر کافی نیست. گفتار و کردار هنرمندان، متفکران و رهبران مشهور از مهم ترین عوامل مؤثر در تحریک انرژی خلاق در دیگران است. شاعران، مورخان، سیاستمداران و دانشمندان بزرگ، در قرون گذشته، از طریق آثار مکتوب خود با ما سخن می گویند. آتش خلاق آنان می تواند شعله آفرینش گری دانش آموزان را برافروزد و روح اشتیاق رقابت را در آنان بدمد. برای پیش گیری از احساس حقارت دانش آموزان در برابر بزرگان، باید به آنان گفته شود که انسان های بزرگ هم از اول خلاق نبودند، بلکه با تلاش، پشتکار و پرورش این قوه توانسته اند ابتکارات، نوآوری ها و آفرینندگی را در وجود خود شکوفا سازند. با شناخت نحوه زندگی و مراحل رشد دانش آموزان، می توان از بروز و پیدایش این احساس در آن ها پیش گیری نمود.

تشویق اندیشه ها و پیشرفت های بکر و ناب

با پرسش های هرچند غیرمعارف دانش آموزان، باید برخوردی دقیق و حساب شده داشت؛ اگر دانش آموزی ایده غیرممکنی را بیان کرد، به جای واقع گرایی باید در این تخیل دانش آموز وارد شد. مثلاً اگر دانش آموزی بگوید: سگ من کتابی نوشته است، معلم جواب دهد: واقعاً؟! حتماً کتاب به مردم توصیه می کند که با سگ ها چگونه رفتار کنند. سپس بچه های دیگر می توانند اظهارنظر کنند که دنیا در نظر یک سگ ممکن است چگونه باشد و چطور می شود امور را بهبود بخشید و...

- باید به فراگیران عملاً نشان داد که عقاید آنان مورد احترام است.

- اندیشه ها و راه حل های غیرمعقول برای مسائل را باید با احترام تلقی کرد.

فرصت داد تا به طور مستقل یاد بگیرند، آزادانه فکر کنند و به اکتشافات بپردازند.

هنر پرسش

با طرح یک سؤال، راهی به سوی پاسخ های خلاق گشوده می شود. سیلورمن (۱۹۸۰) با مشاهده مستقیم معلمان کهنه کار و نیز کودکان تیزهوش، دریافت که آنان اطلاعات اندکی در اختیار دانش آموزان خود می گذارند. وی پی برد که این عالمان بیش تر وقت خود را صرف سؤال و پرسش از دانش آموزان می کنند تا درس دادن و معمولاً از پاسخ به پرسش های دانش آموزان اجتناب می کنند و با شگردی خاص، پرسش آنان را به خودشان بازمی گردانند و در این خصوص نظر خود آنان را جویا می شوند. این گونه معلمان، اغلب عادت دارند بازخوردهای بدون داوری در اختیار دانش آموزان خود قرار دهند. پاسخ های آنان را می پذیرند و به آن تمایل نشان می دهند. در عین حال، تلاش می کنند درباره این پاسخ ها داوری نکنند. بی تردید، نتیجه این نوع رفتار با دانش آموزان این است که آنان می کوشند تا خود را همواره ارزیابی کنند.

نوع پرسش های این معلمان، اغلب واگرا (چه اتفاق خواهد افتاد اگر...؟) است. آنان اغلب از دانش آموزان می پرسند: «چه چیز شما را وادار به چنین اندیشه ای کرد؟» نوع پرسش ها، باید به گونه ای عام باشد تا دانش آموزان بتوانند پیرامون آن قلم زنی کنند. مثلاً از دانش آموزان سؤال شود که «آسمان را توصیف کنید.» این جاست که دانش آموزان تلاش می کنند تا احساسات شخصی و تجربیات خود را بیان کنند. در پرتو پرسش از دانش آموزان است که یک معلم می تواند خلاقیت آنان را آزمایش کند.

علم و شیوه های پرورش تفکر خلاق

تعلیم و تربیت به یک معنا عبارت است از رشد قوه قضاوت صحیح در افراد. تقلید از دیگران یا پیروی از تمایلات و عادات، سبب رکود فکری و عجز او در برابر مسائل و مشکلات است. امروزه جامعه نیازمند افرادی است که فکر و خرد را حاکم بر اعمال و افکار خویش قرار می دهند و مشکلات را به گونه ابتکاری از سر راه خود برمی دارند. اجمالاً وظایف یک معلم در تحقق این هدف بدین شرح است:

۱- دانش آموزان را به داشتن ایده های بکر و نو تشویق نماید؛ ایده هایی که کم و بیش برای خود آن ها بکر است. ضمن پذیرش ایده های بکر، زمینه ابراز آن ها را فراهم کند. مثلاً، می توان از دانش آموزان خواست که به جای ارائه گزارش ساده از یک کتاب، آن را شخصاً ارزیابی کرده و هر نظری که درباره آن دارند بیان کنند و یا این که فصلی از فصل های سال را توصیف کنند به طور کلی، نقاشی های آزاد، مقاله نویسی و نگارش داستان های کوتاه، زمینه ایده فرد و تفکر خلاق در دانش آموزان را بهتر فراهم می کند.

۲- مطالب درسی را به صورت مسأله و معما برای شاگردان طرح کند؛ مطالعه کتاب و یا گوش دادن به سخنان معلم، از برگردن حقایق علمی و تاریخی رشد قوه ابتکار شاگردان را به دنبال ندارد. معلم به جای بیان مطالب درسی یا ذکر حقایق علمی، باید دانش آموزان را به طرح مسائل ترغیب کند.

۳- معلم باید به دانش آموزان اجازه دهد تا مسائل، نظرات و ایده های خود را اعلام نمایند و این ایده ها را روی تخته کلاس درس نوشته و پس از طرح مسائل و ایده های خود به آنان اجازه دهد که این مسائل را نقد و بررسی نموده و مورد آزمایش قرار دهند.

شیوه های پرسش خلاق

شگرد خاص طرح سؤال وسیله ای است که استعداد خلاق کودکان را بارور می سازد.

۱- به کارگیری قوه تخیل

یکی از شیوه هایی که می توان کودکان را بیش تر به تفکر خلاق واداشت، این است که به آنان کمک کنیم تا هر چیز را با به کارگیری قوه تخیل و ابتکار خود به وضعیت دلخواه و مطلوب درآورند. از کودکان بخواهید اشیا را به شکلی که دوست دارند تبدیل کنند. در زیر، چند نمونه از این سؤالات که هر یک مربوط به یک شیء خاصی است، آمده است:

- اگر (شیرین تر/ترشتر) می بود، مزه بهتری نداشت؟

- اگر (کوچک تر/بزرگتر) می بود، عالی تر نبود؟

- اگر (سریع تر/آرام تر) می بود، بهتر نبود؟

- اگر به عقب برمی گشت، جالب تر نبود؟

- اگر (بزرگ تر/کوچکتر) می بود، راضی تر نبود؟

۲- به کارگیری حواس دیگر

کودکان می توانند استعداد خلاق خود را با به کارگیری حواس خود، به طریق غیرعادی شکوفا سازند. برای مثال، از آنان می خواهیم که چشمان خود را بسته و آنچه را که در دست آنان قرار داده ایم، حدس بزنند. روش دیگر، این است که کودکان چشمان خود را بسته و آنچه را می شنوند حدس بزنند. هنگام انجام این تمرینات بایستی از کودکان دلایل حدسشان را نیز جویا شد. بدینوسیله، سرگرمی بیش تری به همراه یادگیری برای آنان فراهم کرده ایم.

۳- طرح سؤالات انشعاب پذیر

برای کودکان سؤالاتی طرح کنید که به پاسخ های متفاوتی نیاز دارد، تا آنان برای پاسخ گویی از مهارت های تفکر خلاق خود کمک بگیرند.

درذیل، چند مثال در زمینه مفهوم «آب» مطرح شده است:

- موارد استفاده آب کدامند؟

- چه چیزی در آب شناور می شود؟

چرا آب سرد است؟

- چه چیزی موجب می شود که آب به شکل باران درآید؟

سؤالات کلی که انشعاب پذیرند و مفاهیمی چون: شن، یخ، دود، ماشین و یا عناوین مشابه را دربردارند، برای کودکان سرگرم کننده هستند. این گونه سؤالات، فکر کودکان را باز و انعطاف پذیر می کند.

۴- شیوه «چه اتفاق می افتاد اگر...؟»

این شیوه، به وسیله بسیاری از معلمان به کار گرفته شده و موفقیت آمیز بوده است. البته، هدف آن است که با استفاده از کلاس های «فکر توأم با عمل» قوه ابتکار و تخیل آنان را بیدار سازیم. برای نمونه از سؤالات زیر می توان استفاده کرد:

- چه اتفاق می افتاد اگر درختان موجود در جهان آبی رنگ بودند؟

- چه اتفاق می افتاد اگر هیچ ساعت دیواری یا مچی وجود نداشت؟

- چه اتفاق می افتاد اگر شما می توانستید پرواز کنید؟ و...

۵- به چند طریق مختلف...

نوع دیگر سؤالی که موجب رشد و گسترش تفکر خلاق یک کودک می شود این گونه سؤال ها است:

به چند طریق، یک قاشق مورد استفاده قرار می گیرد؟

به چند طریق یک دکمه می تواند مورد استفاده قرار گیرد؟

۶- سؤالات مختلف

اگر کیف پول جادویی در یکساعت داشتی چه کار میکردی؟

اگر آرزویت فوراً برآورده می شد چه آرزویی داشتی؟

تکنیک های توسعه خلاقیت گروهی (برای مقاطع تحصیلی بالا)

افراد می توانند از انواع تکنیک های توسعه خلاقیت گروهی به شکل جدی و مستمر استفاده کنند. این تکنیک ها از این قرارند:

طوفان فکری

همانطور که گفته شد یکی از تکنیک های متداول در ایجاد خلاقیت و فعال ساختن اندیشه ها به صورت گروهی تکنیک تحرک مغزی است. در این تکنیک مسئله ای به یک گروه کوچک ارائه شده و از آنان خواسته می شود فی البداهه و به سرعت به آن واکنش نشان داده و برای آن پاسخی بیابند. پاسخ ها بر روی تابلویی نوشته می شوند به طوری که همه اعضای جلسه می توانند آنها را ببینند. این امر باعث می شود تا ذهن اعضا به فعالیت بیشتری پرداخته و جرقه ای از یک ذهن باعث روشنی ذهن دیگری شود. اولین دلیل اثربخشی تحرک مغزی افزایش قدرت خلاقیت در گروه است، افراد در حالت گروهی بیش از حالت انفرادی قدرت تصور خلاق بروز می دهند. رقابت نیز عامل دیگری است که در جلسات تحرک مغزی موجب افزایش اثربخشی می گردد. همچنین عدم وجود انتقاد و ارزیابی های سریع باعث می شود تا اعضای جلسه با فراغت خاطر به اظهارنظر بپردازند و محیطی مساعد برای خلاقیت ایجاد گردد. نکته دیگری که در مؤثر بودن تحرک مغزی قابل ذکر است فی البداهه بودن نظرات است.

تکنیک خلاقیت شش کلاه تفکر

ادوارد دوبونو پدر تفکر خلاق در کتاب «شش کلاه تفکر» یک روش خلاقانه ارائه می کند و از طریق آن می کوشد نشست افراد به دور یکدیگر را به اقدامی ثمربخش و کارا تبدیل کند. «دوبونو» سعی می کند به کسانی که به دور هم جمع می شوند، پیامزد که به تفکر خود نظم دهند و آنگاه در این میان به راه های خلاقانه بیاندهند و با یک هماهنگی مدبرانه نتایج را طبقه بندی و اولویت بندی کرده و در تصمیم گیری ها از آن استفاده کنند. اگر شما می خواهید با تکنیک شش کلاه تفکر در جلسات قدم بگذارید، بهتر است این مقاله را بخوانید و آنگاه عمل کنید. تصور کنید به یک جلسه قدم گذاشته اید و شما مسئول نظم دهی، هدایت و نتیجه گیری از آن جلسه هستید. در اینجا کلاه آبی را بر سر شما خواهند گذاشت، زیرا هنگامی که کسی کلاه آبی را بر سر می گذارد باید به موارد زیر دقت کند:

- رنگ آبی نماد آسمان آبی رنگ است که چتر آن بر همه جا گسترده شده است و کسی که کلاه آبی بر سر خود می گذارد باید بتواند افکار جاری در محیط جلسه را در ذهن خود به جریان درآورد و نظم و تمرکز دهد.

- کلاه آبی همچون یک نرم افزار است که تلاش می کند به تفکر کردن جمع، جهت دهد و یا برنامه ای مشخص آن را به سرانجام برساند و گویی همچون یک کارگردان تفکر ما را هدایت می کند.

- با کلاه آبی اولویت ها و محدودیت ها تعیین می شود. اکنون بر روی صندلی خود بنشینید و موضوع و یا مشکل مورد بحث را بر روی تخته سیاه بنویسید. در نخستین اقدام و با هدایت شما همه اعضا باید کلاه سفید را بر سر بگذارند و در مورد موضوع بیان شده بیاندهند.

- هنگامی که کلاه سفید را بر سر می گذارید، نباید به چیزهایی که شامل الهامات، قضاوت های متکی به تجارب گذشته، عواطف، احساسات و عقاید است توجه کنید و تنها باید همچون یک رایانه، فقط اطلاعات ارائه کنید. حال شما باید اطلاعات به دست آمده از حاضرین در جلسه که به واسطه تفکر با کلاه سفید ارائه شده است را جمع بندی کنید و اعضای جلسه را وارد مرحله بعد کنید تا با گذاشتن کلاه قرمز بر سر، شروع به تفکر کنند.

- هنگامی که حاضرین می خواهند با کلاه قرمز در مورد موضوع مورد نظر تفکر کنند باید به نکات زیر توجه کنند: اجازه دهید احساسات و عواطف بر وجود شما حاکم شده و به زبان درآیند و هر کسی می تواند از الهامات و دریافت های ناگهانی خویش سخن گوید و دیگر نیازی به استدلال نیست. اگر به احساسات اجازه بروز ندهیم بدون شک ناخواسته و بدون دقت نظر، در تصمیم گیری ها وارد شده و چه بسا سبب بروز مشکلاتی برای ما شوند.

- پس از این که تمام نظرات اعضای جلسه ارائه شد، شما اقدام به جمع بندی تراوشات فکری حاضران کرده و آن گاه به مرحله بعد قدم بگذارید و اجازه دهید حاضران کلاه سیاه را بر سر بگذارند. با گذاشتن این کلاه بر سر نباید احساسات منفی بدون منطق بیان شوند بلکه فرد باید دیدگاه های منفی خود را در خصوص مشکل یا موضوع مورد بحث به صورت منطقی بیان کند. بدون شک اگر از این کلاه به خوبی استفاده شود، می تواند ما را از مخاطراتی که در آینده از چشمان ما دور می ماند آگاه کند. تفکر منفی به گفته «دوبونو» جذاب است، زیرا دستاوردهای آن را می توان به فوریت مشاهده کرد. اثبات خطای دیگران برای ما رضایت در پی دارد و حمله کردن به یک دیدگاه در ما احساس برتری می بخشد و برعکس ستودن یک نظر سبب می شود در خود احساس کنیم با فرد برتری روبرو شده ایم. نتایج بحث های ارائه شده توسط شما جمع بندی شده و در نهایت ثبت شود و آنگاه بار دیگر اجازه دهید حاضران کلاه زرد را بر سر خود بگذارند و شروع به تفکر کنند. زرد نماد آفتاب است و آفتاب شروعی برای سازندگی، شادابی و خوش بینی است. گویی هر جا سراغ از خورشید گرفته می شود گرمی زندگی و زایشی دیگر در میان است و تفکر مثبت باید به همراه کنجکاو و شادمانی و سرور و تلاش برای درست شدن کارها باشد. فرد با گذاشتن کلاه زرد تلاش می کند به نکات ارزشمند و مثبت موضوع بنگرد. اصولاً افکار سازنده به سوی مثبت گرایی تمایل دارند. یکی از تمریناتی که فرد با کلاه زرد می

تواند انجام دهد بهره گیری از تجربیات ارزشمند گذشته است. کلاه زرد در ابتدا در صدد کشف فواید موجود در موضوع مورد بحث است و هر آنچه می‌کاود، بیان می‌دارد.

- اکنون بار دیگر به جمع بندی نظرات به دست آمده بر اثر کلاه زرد بپردازید. اکنون حاضران باید کلاه سبز را بر سر بگذارند. کلاه سبز، کلاه خلاقیت است هنگامی که افراد کلاه سبز را بر سر می‌گذارند، باید به راه‌های نو بیندیشند که می‌تواند در آن موضوع مورد نظر اثرگذار بوده و به تصمیم‌گیری‌های خلاقانه منجر شود. هنگامی که حاضران کلاه سبز را بر سر می‌گذارند، فرصتی می‌یابند که به جست و جوی چیزهای کشف نشده هدایت کنند. حال فرصتی به حاضران دهید تا ایده‌های نو ارائه کنند و آنگاه به ثبت این ایده‌ها پرداخته و به جمع بندی نظرات بپردازید. بدون شک برای خلاقانه اندیشیدن باید فرهنگ خلاقیت را بر فضای جلسه حاکم کنید. اکنون شما باید تلاش کنید که با کلاه آبی که بر سر گذاشته‌اید به ارزیابی نتایج پرداخته و به یک جمع بندی مناسب برسید و در نهایت در جهت حل مشکل یا پیگیری مورد نظر تصمیم نهایی را بگیرید. بدون شک هر یک از اعضا می‌توانند کلاه آبی را به امانت گرفته و با آن به تفکر بپردازند و در اتخاذ تصمیمات به شما کمک کنند. در پایان شما درمی‌یابید هنگامی که جلسه را این‌گونه مدیریت می‌کنید، دیگر تنها شاهد آن نخواهید بود که یک فرد تنها با کلاه سیاه به جلسه قدم بگذارد و یا فرد دیگری تنها با کلاه قرمز تفکر کند؛ بلکه همه مجبورند با شش کلاه مذکور تفکر کنند و اندیشه‌های ذهن خود را ارائه کنند.

اهمیت دادن به دستاوردهای خلاقانه یادگیرنده

دستاوردهای خلاقانه یادگیرنده را مورد تشویق قرار دهید. تشویق و تقویت رفتارهای خلاقانه مانند تشویق هر نوع رفتار دیگر باعث نیرومندی و افزایش آن می‌شود. برای این منظور نسبت به سوالات غیر متعارف یادگیرنده با احترام برخورد کنید و به آنها توجه کنید و از سرکوب کردن چنین سوالاتی خودداری کنید. نسبت به اندیشه‌ها و راه‌حل‌های نامعقول او نیز توجه داشته باشید و با احترام برخورد کنید به کودکان نشان دهید که اندیشه‌های آنها با ارزش است. فرصتهایی به یادگیرندگان بدهید تا در آن به یادگیری‌های مورد علاقه خود بپردازند و یادگیریهای خود انگیخته آنان را مورد تشویق قرار دهید. به آنها فرصت دهید تا بدون ترس از عواقب ارزشیابی شما از کارشان به یادگیری، تفکر و اکتشاف بپردازند (۱۰).

این چند مورد نمونه‌های کوچکی از ایجاد خلاقیت در دانش‌آموزان بود که ذکر شد حتما راه‌های دیگری نیز وجود دارد. امید است مورد استفاده دبیران گرامی قرار بگیرد.

موانع خلاقیت

موانع خلاقیت را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: فردی، اجتماعی و سازمانی .

موانع فردی خلاقیت: نداشتن اعتماد به نفس و ترس از انتقاد و شکست، تمایل به همگونی و عدم تمرکز ذهنی از مهمترین آنها است. به طور کلی موانع فردی خلاقیت شامل موارد زیر است

نداشتن اعتماد به نفس، دلسرد شدن، تأکید بر عادات‌های پیشین، محافظه‌کاری، وابستگی و جمود فکری، نبود تمرکز ذهنی، استفاده نکردن از طرفین مغز، مقاوم نبودن، کمرویی، انعطاف‌پذیر نبودن .

موانع رشد خلاقیت در دانش‌آموزان

تأکید زیاد بر نمره دانش‌آموز به عنوان ملاک خوب بودن

روش‌های تدریس سنتی و مبتنی بر معلم محوری

عدم شناخت معلم نسبت به خلاقیت

نبود حداقل امکانات لازم برای انجام فعالیت‌های خلاق دانش‌آموزان

اهداف و محتوای کتاب‌های درسی

توجه نکردن به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان

عدم پذیرش ایده‌های جدید

ارائه تکالیف درسی زیاد به دانش‌آموزان
استهزاء و تمسخر به خاطر ایده یا نظر اشتباه

نتیجه‌گیری

یکی از مکانهای پرورش و رشد خلاقیت، مدرسه است. هنگامیکه کودک وارد مدرسه می‌شود، فرایند اجتماعی شدن در محیط آموزشی شروع می‌شود. عوامل بسیار زیادی چون: تکالیف زیاد، تأکید بر حفظ دروس، اجرای برنامه‌های هماهنگ، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و سرانجام عدم شناخت یا بی‌توجهی به ویژگی‌های کودکان خلاق، سبب می‌شود که قدرت خلاقیت آنان بتدریج کاهش یابد. اما اگر مدرسه شرایط خود و روش‌های تدریس را بر پایه شناخت و پرورش استعداد‌های دانش‌آموزان، نیاز جامعه و نزدیک کردن محیط مدرسه به شرایط و زندگی بیرونی قرار دهد، می‌تواند در جهت شکوفایی خلاقیت در دانش‌آموزان گام بردارد

منابع:

۱- حسینی؛ افضل السادات، ماهیت اخلاقی در آموزش و پرورش و شیوه‌های پرورش آن. آستان قدس رضوی - ۱۳۸۳

۲- آناستازی؛ آن، تفاوت‌های فردی. ترجمه: جواد طهموریان، چاپ سوم، تهران: آستان قدس رضوی - ۱۳۷۱

۳- شکلتون، ویویان و فلچر کلیو. تفاوت‌های فردی. ترجمه: یوسف کریمی و فرهاد جمهوری، تهران: انتشارات فاطمی - ۱۳۷۱

۴- مینابی اصل، زهرا. معلمان اثر بخش، چاپ اول، تهران: انتشارات پیک فرهنگ

5-Gatzeles, J.W, & Gackson, P.W; (1962). Creativity and intelligen John Willy, New York.

6-Martinson, R,A; (1975). The identification of gifted and talented Reston, V.A: Council for Exceptional children.

7-Magison; (2004). Effect of a creativity training program or ereative abilities and self-concept in mono lingual elementary, roeper review Vol 26, p 113.

8-McDonough, P & McDonogh, B. 1987. A survey of American colleges and universities on the conducting of formeal courses in creativity. Journal of Creative Behavior. 21, 271- 282

9-Mellou; (1996). Can creativity the nurtured in young children early child development and care V.

10-Parado, SH; (2002). Effects of a teacher traning works shop or creativity, cognitional school achivement, high ability studies V13 N 1.

11-Renzulli Joseph, (1993); Through the purssit of ideal act of learning gifted child Quarterly Vol. 36, No.4. Fall..

12-Smith, SL (1998). Teaching academic skills through thearts. Momenthm. Vol 29, n4. 19-22.

13-Strenberg, R.J and William, W.M (1997); How to develop student creativity, Association for supervision andcurriculum development.